پخش «مسافر قبله» از رادیو معارف

حجت‌الاسلام محمدعلی اخویان، مدیر آموزش بعثه مقام معظم رهبری از پخش برنامه‌های آموزشی حج ۹۹ از طریق شبکه سراسری رادیو معارف خبر داد و گفت: برنامه‌های آموزشی حج ۹۹ با عنوان «مسافر قبله» از روز شنبه ۱۷ خردادماه به مدت ۳۰ دقیقه هر روز از ساعت ۱۶ تا ۱۶و۳۰ دقیقه در ۳۸ برنامه از طریق رادیو سراسری معارف در اختیار زائران ایرانی حج تمتع قرار خواهد گرفت. /فارس

«فیه ما فیه» کریم زمانی به چاپ دهم رسید

شرح کریم زمانی از «فیه ما فیه» اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به‌تازگی توسط انتشارات معین به چاپ دهم رسیده‌است. اولین چاپ این اثر سال ۹۰ به بازار نشر عرضه شد و طی سال‌های ۹۴ و ۹۶ با چاپ‌های پنجم و هفتم به کتابفروشی‌ها آمد. «فیه ما فیه» که با عنوان «مقالات مولانا» هم شناخته می‌شود، یکی از آثار منثور مولانا ست که پس از درگذشتش، از سخنان و جملات او در بازه زمانی ۳۰ ساله گردآوری شده‌است. /مهر

«نکته‌ها و خاطره‌هایی از سیره امام خمینی(ره)» در گفت و شنود با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان

نمی‌شد از امام(ره) چیزی را پنهان کرد

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان در محضر امام خمینی پس از شرکت ایشان در سومین دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی

محمدرضا کائینی
روزنامه‌نگار

نام حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان در ردیف قدیمی‌ترین همراهان و یاران امام خمینی(ره) قرار دارد. او سال ۱۳۴۵ برای تحصیل به عراق مهاجرت کرد. ابتدا شاگرد امام خمینی(ره) و بعدها از همراهان اصلی ایشان شد. پس از پیروزی انقلاب در دفتر امام(ره) مسؤولیت وجوه شرعی را به عهده داشت. سال‌های بعد مسؤولیت‌هایی مانند ریاست بنیاد شهید را هم به عهده گرفت، اما همراهی، همنشینی و نزدیکی او به امام(ره) از حجت‌الاسلام رحیمیان چهره متفاوتی ساخته است؛ چهره‌ای که همیشه گفت‌وگو با او می‌تواند همراه با نکات تازه و خواندنی از زندگی بنیانگذار انقلاب باشد.

طبعا در گفت و شنود با جنابعالی به عنوان یکی از نزدیکان و اعضای دفتر امام خمینی، نکات زیادی برای گفت و گو وجود دارد که ما فقط می‌توانیم به طور اجمالی به برخی از آنها بپردازیم. نخست از این نکته شروع می‌کنیم که از منظر شما، خصال ثابت و کلان سیره امام خمینی کدامند؟

حضرت امام شخصیت بسیار جامعی داشتند و از فضایل و ویژگی‌های اخلاقی بسیار برجسته و متنوعی برخوردار بودند، با این همه به علت مجال اندك یك مصاحبه، بنده فقط به چند مورد اشاره می‌کنم. نخستین ویژگی بارز حضرت امام، انطباق کامل قول و عمل ایشان است که یکی از مهم‌ترین نشانه‌های مومن واقعی و عدم انطباق آنها، مهم‌ترین ویژگی منافقین است. امام هرگز دیگران را به کاری توصیه نمی‌کردند، مگر این‌که پیش از آن، خود آن کار را به طور احسن انجام بدهند. دومین ویژگی امام، پایداری و ثبات قدم در اصول و عدم اعوجاج و فراز و نشیب در این باره است. شیوه‌ها و مصادیق بنا به شرایط و مقتضیات فرق می‌کنند، ولی اصول و مبانی همواره ثابت هستند. این یکی از شاخص‌های برحق بودن افراد است که در زمانی طول و در بیان و تفسیر مبانی آنان، تفاوت و تضادی دیده نمی‌شود. با بررسی مواضع امام در دورترین زمان‌ها تا آخرین روزهای عمرشان، کاملاً مشخص می‌شود که ایشان همواره بر یک سیاق و منهج حرکت کرده‌اند و در قول و فعلشان تفاوت و تضادی وجود ندارد. ما در زندگی امام، چه زمانی که در قم هستند، چه وقتی که به ترکیه و نجف تبعید می‌شوند، چه در پاریس و چه در ایران، کوچک‌ترین تغییری در مبانی نمی‌بینیم. امام قبل از آغاز نهضت، حتی در میان طلبه‌ها هم ناشناخته بودند و فقط فضلا و خصیصین، ایشان را می‌شناختند، اما امامِ آن زمان با امامِ بعد از زندان و امام نجف و امام بعد از پیروزی انقلاب در پایداری و اصرار بر اصول و مبانی، هیچ تفاوتی ندارد و هیچ عاملی نمی‌تواند ایشان را تحت تاثیر قرار دهد و از مسیر حق خارج سازد. ویژگی دیگر امام، روشنگری افکار و کوبیدن جریانات انحرافی با قاطعیتِ تمام بود. امام همواره با صراحت حرفشان را می‌زدند.

این قاطعیت در قبال اندیشه و تفکر بود یا در قبال اشخاص؟

سؤال بسیار خوبی است. در روایت داریم که حتی هنگام سخن گفتن با یهودیان معاند هم باید بیان شما آراسته و متین باشد. بنده و مرحوم آقای رسولی محلاتی، برخی از پیام‌های امام را بازنویسی نهایی می‌کردیم. امام پیام‌های تبریک یا پیام‌های مناسبتی سران کشورهای اسلامی و غیراسلامی دنیا را با رعایت تمام القاب آنها و با رعایت نهایت ادب اسلامی پاسخ دادند. ایشان در عین حال که تفکر و خطِ غربی و شرقی را به شدت می‌کوبیدند در برخورد با مصادیق، تمام نکات اخلاقی و ادب متعارفی را که رویه یک مسلمان معتقد است، مراعات می‌کردند. ایشان حتی در مورد جریانات انحرافی داخلی هم همین‌گونه عمل می‌کردند. امام در تمام عمر، تحجر و تفکر جدایی دین از سیاست را به شدت می‌کوبیدند، اما بسیاری از علمایی که نماد این تفکرات بودند، خدمت امام می‌آمدند و ایشان هم احترام آنها را داشتند و همواره بین شخص و شخصیت و تفکر او، تفکیک قائل می‌شدند.

معاندین همواره تلاش می‌کردند این‌گونه القا کنند که اخبار و اطلاعات به درستی به حضرت امام منتقل نمی‌شوند و اصطلاحاً همه چیز به شکل کانالیزه شده به ایشان می‌رسد. شما که از نزدیک شاهد زندگی و سیره امام بودید، در این باره چه تحلیلی دارید؟

اولاً: امام کسی نبودند که بشود به ایشان چیزی را القا کرد. آدم‌هایی که تحت القائات دیگران قرار می‌گیرند، ثبات رای و عقیده ندارند و هر زمان رفتار و بیان متفاوتی دارند، در حالی که چنین چیزی را در زندگی امام نمی‌بینیم. ثانیاً: منبع دریافت اطلاعات و اخبار امام، یکی دو کانال نبود و امام از منابع بسیار متعدد و متنوعی اطلاعات دریافت می‌کردند. اگر حتی در داخل هم چنین امری متصور بود، جلوی رادیوهای بیگانه را -که امام با دقت تمام به اخبارشان گوش می‌دادند- که نمی‌شد گرفت. وزارت ارشاد مکلف بود سرمقاله‌های نشریات معروف اروپا و آمریکا را در بولتنی تنظیم کند و برای امام بفرستد و اگر کمترین تاخیری در ارسال این بولتن صورت می‌گرفت، امام سراغ آن را از بنده و دیگر اعضای دفتر می‌گرفتند و همیشه آن را مطالعه می‌کردند. امام اکثر رادیوهای مهم بیگانه از جمله: بی بی سی، آمریکا، اسرائیل و آلبانی را گوش می‌کردند که من هیچ وقت فلسفه رادیو آلبانی را نفهمیدم، اما چون امام حتی یک لحظه از عمر خود را هم صرف امر بیهوده نمی‌کردند، قطعاً برای این کارشان هم دلیل موجهی داشتند که امثال من متوجه نمی‌شدیم! جالب است که امام هیچ وقت به رادیو مسکو گوش نمی‌کردند و در بین رادیوهای بلوک شرق، فقط رادیو آلبانی را می‌گرفتند!

علاوه بر اینها بولتن‌های وزارتخانه‌ها و نهادها هم هر روز برای امام می‌آمد. کانال دیگر نامه‌های مردم بود که ما موظف بودیم گزارش آن را به امام بدهیم. حتی پیرزنی هم که در منزل امام کار می‌کرد، گاهی نامه‌هایی را که به او می‌دادند، خودش مستقیم می‌برد و می‌داد به امام. مرحوم آقای لواسانی هم که از یاران دیرین امام و بسیار مورد علاقه و اعتماد ایشان بود، مستقلا اخبار و اطلاعات لازم را به امام می‌رساندند. ایشان حداقل هفته‌ای یکبار با امام ملاقات داشت و مفصل با امام از همه چیز و همه جا حرف می‌زد! ایشان معمولا حرف‌های بعضی از افراد خاص و بعضا ناجور را هم به امام می‌رساند.

کانال دیگر مرحوم آقای پسندیده اخوی امام بودند که حرف‌های مخالفین امام از جمله جبهه ملی‌ها و نهضت آزادی‌ها و حتی صوفی‌ها را به امام می‌رساندند! ایشان هر چند وقت یکبار خدمت امام می‌آمدند و به طور مفصل، از چکه‌کردن شیر آب خانه‌شان تا اخبار ضد انقلاب را به سمع امام می‌رساندند و چون برادر بزرگ‌تر امام بودند و حق پدری و معلمی به گردن امام داشتند، امام فوق‌العاده برایشان احترام قائل بودند و با صبر و حوصله عجیبی به سخنان ایشان گوش می‌دادند. ما یک وقت‌هایی که در اتاق بغلی نشسته بودیم و می‌شنیدیم که امام با آن همه دغدغه و مشغله، چگونه حتی گاهی به سخنان معمولی ایشان هم گوش می‌دهند، واقعا حیرت می‌کردیم! از همه اینها گذشته، کسانی که در دفتر امام کار می‌کردند، دارای تفکرات و سلایق مستقل و متفاوتی بودند و مستقیم هم با خود امام کار می‌کردند. کسی هم رئیس کسی نبود. اگر قرار بود آن جمع رئیسی داشته باشد، مرحوم حاج احمد آقا بود که هرگز چنین شأنی را برای خود قائل نمی‌شد و اکثر کسانی که در دفتر کار می‌کردند، ده بیست سالی از ایشان بزرگ‌تر و بعضا رابطه رفاقتشان با امام، طولانی‌تر از سن ایشان بود. مضافا بر این که حاج احمدآقا، اساسا و ذاتا اهل این حرف‌ها نبود. بنابراین کسانی هم که در دفتر امام خدمت می‌کردند، بنا بر سلیقه و تفکر خود، با طیف‌های متفاوت اجتماعی در تماس بودند و از طریق آنها هم اخبار به امام می‌رسید. بنابراین کانال‌های اطلاع‌رسانی به امام به‌قدری متنوع و متعدد بود که اگر کسی خیال کانالیزه کردن اطلاعات را هم داشت، عملا ممکن نبود و واقعا نمی‌شد از امام چیزی را پنهان کرد، چون ایشان صاحب هوش و فراست بی‌نظیری بودند و حواسشان کاملا جمع بود.

با توجه به بیماری قلبی امام، هیچ‌گاه ضرورت ایجاب نکرد که دست‌کم در شرایط خاص، خبری را از ایشان پنهان کنید؟

خیلی کم پیش آمد. در یك مورد و پس از فوت آقای شریعتمداری، آیت‌ا... گلپایگانی تلگرافی برای امام فرستاده بودند که لحن مناسبی نداشت و در مقطعی هم بود که امام به خاطر سکته دوم در بیمارستان بستری بودند. یکی هم کتابی بود که ضدانقلاب از زبان مرحوم آقای پسندیده در خارج از کشور چاپ کرده بود و از سر تا ته فحاشی و هتاکی بود. ما واقعا خودمان هم نمی‌توانستیم یک سطر از آن کتاب هزار صفحه‌ای را بخوانیم و عصبانی نشویم، چه رسد که بخواهیم آن را به امام بدهیم! لذا استثنائا آن کتاب را خدمت ایشان ندادیم. چند وقت بعد که خدمت امام رسیدم، ایشان نسخه‌ای از همان کتاب را به ما دادند و گفتند: برای آقای منتظری بفرستید. معلوم شد که آقای منتظری آن را برای امام فرستاده بود.

تلگراف مرحوم آیت‌ا... گلپایگانی چطور؟ امام بالاخره آن را دیدند؟

آن کار ما هم فایده نداشت، چون بعدها امام نامه سرگشاده آقای زیارتی (سید حمید روحانی) را خطاب به آقای گلپایگانی -که در بولتنی چاپ شده بود- خوانده بودند و سراغ تلگراف را از ما گرفتند.

و چه برخوردی کردند؟

در مورد کتاب حرفی نزدند، چون هر روز ده‌ها نامه و تلگراف پر از ناسزا و تهمت به دفتر می‌رسید، اما در مورد تلگراف آقای گلپایگانی سؤال کردند و ما هم عرض کردیم که تلگراف در مقطعی به دفتر رسید که پزشکان موکدا رساندن اخبار نگران‌کننده به شما را منع کرده بودند و شما در بیمارستان بستری بودید. امام هرگز روی حرف متخصصان از جمله پزشکان حرفی نمی‌زدند، منتها اشکال کار در این بود که برخی پزشکان، امام را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند قلب ایشان با این اخبار تکانی نمی‌خورد و آزرده نمی‌شود. امام فقط با دیدن عکس شهدا که برای امضا نزد ایشان می‌بردیم، به‌خصوص اگر شهید نوجوان بود بسیار متاثر می‌شدند. یادم هست که یک وقتی مرحوم آقای رسولی از دزفول آمدند و تعریف کردند که بعد از موشک باران شهر، چگونه افراد را از زیر آوار بیرون کشیدند، مخصوصا وقتی درباره کودکان آسیب‌دیده حرف زدند، امام بسیار متاثر شدند، در حالی که معمولا نمی‌شد از چهره امام، تاثر ایشان را حدس زد. غرض این‌که از امام نمی‌شد چیزی را پنهان کرد.

همانگونه که اشاره کردید، بسیاری از اعلامیه‌ها و احکام امام توسط مرحوم آقای رسولی و حضرت عالی استنساخ نهایی شده‌اند. علت این کار چه بود؟

خط امام، خط شکسته بود و در چاپخانه نمی‌توانستند بخوانند و گاهی اشتباه حروفچینی می‌کردند. من آنها را به خط نسخ می‌نوشتم که اشتباه نزنند. یک بار امام حدود سی صفحه درباره مسائل مستحدثه نوشته بودند که قرار بود در نجف چاپ شود و من آن را به خط نسخ استنساخ کردم. امام به مرحوم آشیخ عبدالعلی قرهی فرموده بودند مزد این کار را به من بدهند. امام هرگز کار بی‌حق‌الزحمه از کسی نمی‌کشیدند. من عرض کردم اگر امام لطف کنند و اصل دستخط را به من بدهند، برایم از هر دستمزدی ارزشمندتر است و ایشان هم پذیرفتند. هنوز هم آن دستخط را دارم. من یا مرحوم آقای رسولی پیام‌های ایشان را بازنویسی می‌کردیم و امام بازخوانی و در حاشیه آنها، اشکالات را یادداشت می‌کردند. دستنوشته‌های امام کمتر خط‌خوردگی داشت، اما اضافات داشت که در حاشیه‌ها می‌نوشتند و چون قرار بود چاپ شوند، ما بازنویسی می‌کردیم.

حضرت عالی جزو نزدیکان و معتمدان مقام معظم رهبری هم هستید. از نظر شما مشترکات و تفاوت‌های رهبری امام و ایشان چه مواردی هستند؟

به رغم تفاوت شرایط دوره رهبری حضرت امام و مقام معظم رهبری، از لحاظ اصول و مواضع، انطباق صددرصدی بین مواضع این دو بزرگوار وجود دارد و طبعا اگر هم تفاوتی وجود دارد، در ارتباط با شیوه‌ها و مصادیق است. همانطور که عرض کردم، در زندگی خود امام هم هرگز مبانی و اصول عوض نشدند، اما در برخورد با مصادیق و مسائل عینی جامعه و نظام، بدیهی است تفاوت‌هایی وجود دارد. همین مساله را هم در دوره رهبری حضرت آقا داریم. خاستگاه اعتقادی و فکری و بینش این دو بزرگوار کاملا با هم منطبق است.

لطفا در این باره به مصادیقی اشاره کنید.

مثلا پیام‌های حج مقام معظم رهبری را با پیام‌های امام مقایسه کنید. در آنجا که سخن از اصول و مبانی انقلاب است، تفاوتی وجود ندارد، اما مسائل مسلمانان طبیعتا در طول زمان فرق کرده و لذا ایشان هم با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه موضع‌گیری می‌کنند.

برخی این شبهه‌افکنی را انجام می‌دهند که امام با مخالفان برخورد ملایم‌تری داشتند. در این باره چه تحلیلی دارید؟

اتفاقا درست برعکس است. امام بنا به شرایط و مقتضیات پس از انقلاب، گاه شدت عمل بیشتری به خرج می‌دادند که لازم هم بود. برخورد شدید امام با نشریات معاند و بعضی افراد و جریان‌های سیاسی از جمله نهضت آزادی، شاهدی بر این مدعاست. امام بدون ذره‌ای ملاحظه و با قاطعیت تمام، طوری با به اصطلاح ملی‌مذهبی‌ها برخورد می‌کنند که نه برای مدتی کوتاه، که برای همیشه بساطشان جمع شود، همین‌طور در برخورد با قضایای آقای شریعتمداری و حزب خلق مسلمان تا جایی که حتی سلامتی ایشان هم به خطر افتاد و به خاطر فشار زیادی که تحمل کردند در بیمارستان بستری شدند، سعی کردند با آقای شریعتمداری مدارا کنند، ولی وقتی تشخیص دادند که مدارا بی‌تاثیر است، بدون ملاحظه به تکلیف خود عمل کردند.

در مورد مدارای امام با آقای شریعتمداری خاطره شخصی دارید؟

بله، سال ۶۱ ماموریت پیدا کردم که نزد ایشان بروم و بگویم شما همان‌طور که شفاها گفته‌اید، کتبا هم اعلام کنید که با گروه‌های ضدانقلاب همراهی و ارتباط ندارید. ایشان کاملا خود را باخته بود و با آقای شریعتمداری ای که قبلا دیده و شناخته بودم، فاصله زیادی داشت، در حالی که همان‌طور که اشاره کردم، روحیه امام در روزهای قدرت و شوکت، کوچک‌ترین تفاوتی با دوران تبعید یا زندان نداشت. من هرگز در طول سال‌ها مجالست با امام، نه ایشان را منفعل دیدم، نه مضطرب و نه شادمان از قدرت. رفتار امام در مرز کویت که ایشان را غریبانه برگرداندند، با زمانی که در تهران و بلکه ایران مورد استقبال میلیونی قرار گرفتند، کوچک‌ترین فرقی نداشت. چون این برخوردها را از امام دیده بودم، فروریختگی و انکسار آقای شریعتمداری در برابر من که طلبه‌ای بیش نبودم، اسباب تعجب و تاثرم شد.

در ماجرای عزل آقای منتظری نیز همین‌گونه رفتار کردند. اینطور نیست؟

همین‌طور است. امام وقتی پای مصالح اسلام و انقلاب پیش می‌آمد، ملاحظات معمول را کنار می‌گذاشتند. ایشان تا قبل از این‌که آن برخورد جدی را با آقای منتظری داشته باشند، بارها هشدار و تذکر دادند. تمام دوستان و علاقمندان امام و انقلاب هم، هر کاری که از دستشان برمی‌آمد کردند، ولی فایده نداشت. همه ما واقعا ناراحت بودیم که چرا عاقبت آقای منتظری با آن همه سوابق مبارزاتی به آنجا کشید! آقای منتظری برای نشان دادن همسویی و هماهنگی با بعضی از جریانات مخالف نظام، عملا داشت تمامی دستاوردهای انقلاب را انکار می‌کرد. بدیهی است که همه غصه می‌خوردیم که چرا این‌طور شد. حتی حضرت امام به خاطر عملکرد او از خدا طلب مرگ کردند! در حالی که در بدترین شرایط و بحران‌های شدید، ما هرگز چنین عبارتی را از امام نشنیده بودیم. همین نشان می‌دهد که امام چه فشار شدیدی را تحمل می‌کردند، اما مصالح اسلام و انقلاب برای امام در اولویت بود.

برخی بر این باورند پس از رحلت حضرت امام، جریان چپ کاملاً حذف شد و جریان راست همه مصادر را در دست گرفت. دیدگاه شما در این باره چیست؟

خوب است جریان موسوم به چپ به جای این شبهه‌افکنی‌ها، مروری بر کارنامه خود داشته باشد. چه کسانی پس از رحلت امام، به انقلاب، نظام و خط امام جفا کردند؟ حضرت آقا بارها تاکید کرده‌اند خط‌کشی بین چپ و راست برای ایشان بی‌معنی است و همه باید مرز خود را با ضد انقلاب مشخص کنند. ایشان با کسانی که خالصانه در راه امام و انقلاب هستند، مشکلی ندارند. مشکل اصلی در این است که بیانات و اعلامیه‌های حضرات، همسو با خواست دشمن و سوژه برای کوبیدن نظام بوده است و هنوز هم دارند رسانه‌های دشمن را تغذیه و مسائل را فرافکنی می‌کنند تا همه، غیر از خودشان را مقصر جلوه دهند. این آقایان مردم را از دریچه نگاه اطرافیانشان می‌بینند و تصور می‌کنند مردم کسانی نیستند که در ۹ دی و ۲۲ بهمن آن راهپیمایی‌های باشکوه را راه می‌اندازند. مردم از نظر اینها ۲۵ میلیونی که در تشییع جنازه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شرکت کردند، نیستند و فقط منحصر به چهار نفر اطرافیان آنها هستند! مردم از نظر اینها کسانی هستند که در روز عاشورا بیرون ریختند و حرکاتی انجام دادند که رژیم شاه هم جرأت انجامش را نداشت. اگر مردم اینها هستند، دنبالشان بروید تا بیش از پیش ببینید که سرانجام کارتان به کجا می‌کشد.

همه می‌دانند امام ابتدای انقلاب، زمام امور را به دست جریان موسوم به ملی دادند تا بعدها حرف و حدیثی نباشد که ما را از حکومت حذف کردند وگرنه چنین و چنان می‌کردیم و دیدیم چه کردند. آیا جدا شدن اینها از خط انقلاب و نظام را باید گردن امام بیندازیم؟ در قضایای سال ۸۸ و حوادث بعدی، حضرت آقا نهایت مدارا را کردند. خود بنده به واسطه دوستی طولانی با آقای موسوی و کروبی رفتم و با آنها صحبت کردم که مردم را به خیابان‌ها و تقابل با نظام نکشید و بیایید مسائل را با بحث و بررسی حل کنیم. مسأله این است که اصل قضایا براندازی نظام بود و نه تقلب در انتخابات که خودشان هم می‌دانستند ادعای بی‌پایه‌ای است. آیا کسانی که این ادعاها را می‌کردند، واقعاً خیرخواه مردم و آزادیخواه بودند؟ آیا شاد کردن دل دشمنان کشور و ملت و زیر سوال بردن حیثیت نظام، خیرخواهی است؟ در کجای دنیا چنین امری پذیرفته شده است که توقع دارند در اینجا پذیرفته باشد؟ مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف به تنهایی، بار حفظ نظام را بر دوش کشیدند و انصافاً رنج زیادی را تحمل کردند. جالب اینجاست کسانی که همواره هزینه‌های سنگینی را برای نظام به بار آورده‌اند، همواره طلبکار هم هستند! اینها دائم سنگ غرب را به سینه زده‌اند، غربی که کشورها و بخش‌های گوناگون آن، این روزها در به امان خدا رها کردن سالمندان و بیماران کرونایی و دزدیدن ماسک و لوازم بیمارستانی با یکدیگر مسابقه گذاشته و اعتراض سیاهپوستان را با گلوله پاسخ می‌دهند. این همان غربی است که حضرات در دفاع از آن سینه چاک می‌کردند و طرفه آن‌که هنوز هم برخی به این کار ادامه می‌دهند.

نگاه‌تان به آینده چگونه است؟

در تمامی این سه دهه پس از رحلت حضرت امام، مقام معظم رهبری به وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کرده‌اند و بی‌تردید از همه ما بهتر تشخیص می‌دهند که چه باید کرد. ما هم در برخورد با مخالفان و دشمنان، نباید از ایشان کندتر یا تندتر حرکت کنیم. در جهانی چنین پرآشوب و تنش، بی‌تردید رمز موفقیت ما همراهی با ایشان است. تجربه هم نشان داده هرگاه ملت پشت سر رهبری حرکت کرده، توانسته به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کند.